

وحدت قوانین - و اجرای عدالت

مدتی است کمیسیونهایی از رجال حقوقدان کشورهای متمدن عالم - تشکیل گردیده که یکی از اهم وظائف آنها مطالعه و کوشش در این مطلب است که باید عدالت در تمام جهان اجرا شود و تمام افراد بشر از عدالت و حقوق ناشی از آن بهره‌مند شوند.

این کمیسیونها با رجال و حقوقدانان کشورهای متمدن تماس کتبی و تبادل نظر دارند و از حقوق و قواعد و نظاماتی که برای احقاق حق و دفاع و اثبات و استیفای حقوق در هر کشور معمول است مطلع میشوند و آن قواعد و قوانین را مبادله میکنند و موارد تهافت یا تناقض را کشف و مورد بحث قرار میدهند و سعی میکنند برای هم سطح نمودن آن قواعد موافقت مردان حقوقی را جلب کنند و دولت‌ها را با وضع قواعدی جدید موافق سازند که بتوانند در تمام نقاط عالم حق و عدالت را نسبت بآنها بشر و یا اتباع دول هم فکر یکسان اجرا نمایند - و از موانع و مشکلاتی که جلوگیری از اجرای عدالت مینماید کم کنند.

یکی از این کمیسیونها - کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان است که مرکز آن در لاهه است و با شرکت حقوقدانان ۲۸ کشور مختلف تشکیل گردیده - و شعبه آن در ایران تأسیس شده است.

رئیس کمیسیون ایرانی جناب آقای عباسقلی گلشائیان و دبیر کل جناب آقای دکتر پرویز کاظمی (هر دو وکیل دادگستری) میباشند.

چند نفر از پیش‌کسوت‌های خدمات قضائی که از همه کوچکتر این جانب میباشم عضویت آنرا پذیرفته و متوالیا بمبادله حقوقی اشتغال داریم.

مقتضی دانستم در این باب که یک قدم مقدس بطرف اجرای عدالت در سراسر جهان است و با بسط روز افزون تمدن نوع و فرم و کیفیت و قواعد آن همه روزه تغییر و ترقی میکند یک سلسله مقالاتی بنویسم تا در گوشه و کنار اهل نظر و علاقه‌مندان باحقوق حق در ضمن بیان ساده این جانب ما را بدین نیت خیر یاری کنند - و اینکه عرض کردم (بیان ساده) مقصودم این است که غالباً مطالب با اصطلاحات فنی و علمی خود از طرف نویسندگان دانشمند تحریر یا نقل میشود و حال آنکه همانمستن معانی اصطلاحات و مورد استعمال آنها هم بنوبت خود محتاج است بدانستن یک سلسله مقدمات و مطالعات حقوقی که تدریجاً از خاطرها محو میشود یا در مدارس بخوبی تدریس نمیشود و با گرفتاریهای جاری قضات و ارباب مشاغل عالیه مانع تجدید مطالعه است بخصوص که بمقدار کافی کتاب در دسترس همه نیست و اگر هم یافت شود بزبانهای خارجی است.

وحدت قوانین و اجرای عدالت

بنابر این هر کس بخواهد این قبیل مسائل را طرح کند لازم است با بیان ساده بنویسد تا اکثریت جان کلام را درک نمایند.

یکی از آن مسائل این است که صلاحیت حکومت هر کشوری بچهار دیوار آن کشور محدود است و در ماوراء سرحد حکومت ندارد.

و حال آنکه مردم جهان دائماً از کشوری بکشور دیگر میروند و میآیند و معامله و تجارت میکنند از دواج میکنند - حقوقی از لحاظ قراردادها و وصیت و عقود تحصیل میکنند و صاحبان حق که تابع دولت‌ها و کشورهای خود هستند انتظار دارند که دولت‌ها و کشورهای متبوع آنها برای احقاق حق آنها مساعدت کنند - و یا احياناً جرائمی مرتکب میشوند و در محاکم مختلف محاکمه میشوند.

باید تکلیف محاکم از لحاظ صلاحیت و قوانین و نحوه حکومت معلوم باشد. و نظایر این نوع گرفتاریها که روز بروز در افزایش است - ارتباط دائم با طیارات و باتلفن و تلگراف بین مردم جهان دائر گردیده و وسائل فنی و صنعتی حوائج را بهم نزدیک کرده و سطح تمدن را یکسان میسازد - در صورتیکه قوانین و قواعد و نظامات و صلاحیت‌ها و حکومت‌ها همان قیافه سخت و محصور محدود و خشک و غیر قابل نفوذ خود را حفظ میکنند.

مثل آنکه شما در سن ۱۲ سالگی چند دست لباس برای خود تهیه کنید و آنرا بخواهید تا سن ۹۰ سالگی بپوشید - بدیهی است تغییرات طبیعی بدن شما با تغییرات لباس از حیث فرم و طول و عرض و بلندی باید همگام باشد والا ظاهری مسخره و زنده و غیر وافی بحاجت خواهید داشت.

از طرف دیگر افکار مقدسی از قبیل استقلال طلبی و وطن خواهی و رعایت ملیت و قومیت و مذهب و آداب و سنن اجازه نمیدهد که بعضی تابع دیگر شوند و از مقدمات ملی خود دست بکشند - لهذا یافتن راه حل از طریق عقلانی بعهدہ حقوقدانان هر کشور است که با رعایت تمام جهات هیئت حاکمه هر کشور را ارشاد نمایند برای وضع قوانینی که بتواند حق و عدالت را در تمام جهان تأمین نماید.

این کمیسیونها مشکلترین وظیفه اصلاحی و صلح طلبی را بر عهده دارند و بر عهده برادران وطن است که آنها را با نظریات صائب خود یاری کنند.

ورود با اساس مطلب

باب صلاحیت

در مقابل این نکته که صلاحیت قاضی در هر کشور محصور است بمحیط آن کشور این فکر پیدا میشود که یک نوع دادگاه و مرجع قضائی فرض شود که محیط صلاحیت آن یا تمام جهان باشد یا محیط کشورهایی که چنین پیمانی را پذیرفتند و الحاق خود را بچنین پیمان بین المللی بتصویب مجالس مقننه خود رسانده باشند - فرض کنیم ۵۰ کشور متمدن عالم با تصویب مقامات مقننه خود بچنین پیمان بین المللی ملحق شده باشند و یک دادگاه

وحدت قوانین و اجرای عدالت

بین الملل یا بین الدول ایجاد کرده باشند - در چنین وضعی ظاهراً باید گفت آن مطالب حقوقی که قابل طرح در محاکم داخلی نیست باید در محاکم بین المللی مطرح شود و یا اینکه هر گاه قوانین داخلی هر کشوری با امکان طرح آن مسئله در محاکم داخلی وانی برای اجرای عدالت نباشد بتوانند آن مسئله را در محاکم بین المللی مطرح کنند.

از این راه دو مطلب قابل مطالعه میشود - اول تشخیص بین مسائل نوع اول از لحاظ صلاحیت - دوم تمیز مسائل نوع دوم از لحاظ کفایت یا عدم کفایت قوانین - که هر دو موضوع خود یک منشاء اختلاف عظیم بین المللی است .

لهذا عالم بحقوق قبل از آنکه خود را بزرگوار حل مشکلات مزبور مبتلا سازد ضرورت دارد مسائل حقوقی را با توجه بموانعی که برای احقاق حق موجود است مورد بحث قرار دهد و دولت های متبوع صاحبان حق را ارشاد کنند .

این بحث دو فائده دارد یکی آنکه ملاحظه میکنیم آراء محاکم و رویه قضائی هر مملکت را دولت های آن کشور و کشورهای دیگر چگونه تفسیر یا اجرا میکنند دیگر آنکه از لحاظ فکری و عقلانی چگونه تعبیر میشود .

مثلاً بعضی از خارجیان را کشوری میپذیرد و اجازه میدهد از حقوق اتباع این کشور متمتع شوند. در حالیکه آن شخص خارجی تابع کشوری است که کشور متبوع او این قواعد را نمیپذیرد و اجازه متمتع بخارجی ها نمیدهد. در این مورد حقوق بین الملل دولتهای مستتکف (نوع اخیر) را خاطی و مسئول نمی شناسند ولی بانها یک لقب میدهد میگویند این دولت ها منکر حق هستند.

علت آنکه خاطی نمی شناسد این است که میگویند آن دولتها برای حمایت اتباع خود از حقوق معینی - خارجیان را از متمتع آن حقوق محروم ساخته اند.

کما اینکه کشور فرانسه بخارجیان اجازه نمیدهد از قانون تعدیل مال الاجاره ها که برای رفاه اتباع فرانسه وضع شده است متمتع شوند - و حال آنکه کشور ایران در استفاده از قانون تعدیل مال الاجاره ها فرقی بین داخلی و خارجی نگذاشته است.

پس ایران در اجرای عدالت وسعت نظری بیشتر از فرانسه دارد - و یک مرد فرانسوی در ایران میتواند از تخلیه خانه و محل کار خود با انقضای مدت اجاره استناع کند و بقانون تعدیل متمتع شود و حال آنکه یک ایرانی در کشور فرانسه از چنین حقی نمیتواند متمتع شود در عین حال قرارداد تجارت و قرارداد دوستی و معامله متقابل هم با ما دارد بنابراین یا مادر حفظ منافع اتباع خود کوتاهی میکنیم و یا آنها منکر حق شده اند و لقب تارک حق یا منکر حق بآنها تعلق میگیرد.

در این صورت وظیفه دولت های متبوع طرفین یعنی ایران و فرانسه است که این اختلاف یا نظیر آنرا حل کنند.